

بررسی نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران‌نو؛ با تأکید بر نگرش بافت موقعیت کلمات

علی باغدار دلگشا^{۹۶}

چکیده

هدف این پژوهش عبارت است از بررسی جایگاه نگارش زنان در مطبوعات مشروطه، به‌ویژه روزنامه ایران‌نو؛ روزنامه‌ای با رویکرد دموکرات در دوره مشروطه، که با چاپ مطالبی که دارای محتوای برابری و توجه به حقوق اجتماعی زنان بوده است، زمینه را برای مطرح کردن بیشتر و دقیق‌تر مطالبات اجتماعی و سیاسی زنان هموارتر ساخت. در تاریخ ایران، عصر قاجار و در آن، دوره مشروطه را می‌توان به‌عنوان نقطه‌گاه آغازین حضور اجتماعی زن در جامعه معرفی کرد. دوره‌ای که زن به مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی مانند سوادآموزی، تلاش برای مشارکت سیاسی و اقتصادی، ایجاد انجمن‌های زنان، ایجاد مطبوعات و حق رأی می‌پردازند.

این پژوهش به روش اسنادی و با استفاده از دو تکنیک تحلیل محتوا و بافت موقعیت کلمات، با تأکید بر دو نامه از زنان به‌صورت مقایسه‌ای از روزنامه ایران‌نو به‌عنوان یکی از مطبوعات مدافع حقوق زنان، انجام شده است. این تحقیق به ثمر رسیدن تلاش اجتماعی زنان و احقاق حقوق اجتماعی آنان را بعد از یک دهه تلاش نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: روزنامه‌نگاری زنان، مشروطه، روزنامه ایران‌نو، بافت موقعیت کلمات، دوره قاجار.

^{۹۶} کارشناس ارشد تاریخ، گرایش تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

ali.b.delgosa@gmail.com

در رابطه با نگارش این متن بر خود لازم می‌دانم از سرکار خانم دکتر هما زنجانی‌زاده و طهورا خجسته‌ثانی تشکر کنم.

مقدمه

مطالبات اجتماعی در جوامع بشری از این جهت دارای اهمیت است که بیان‌گر خواسته‌های فردی و گروهی جامعه می‌باشد. در این بین مطبوعات به‌عنوان اجتماعی‌ترین و مردمی‌ترین نوشته‌ها در انعکاس باور جامعه نیز نقشی اساسی دارند. مطبوعات نوشته‌هایی هستند که به‌دور از نگرش‌های رسمی و تاحدودی حکومتی، در راستای تقاضاهای مخاطبان خود، یعنی مردم قدم برمی‌دارند و مطرح‌کننده اصلی‌ترین درخواست‌های اجتماعی و شهروندی آنان هستند. این پژوهش با توجه به اهمیت نقش مطبوعات در یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین ادوار تاریخ تجددگرایی ایران، یعنی دوره مشروطه، به بررسی درخواست‌های گروهی می‌پردازد که تا قبل از این، محروم‌ترین گروه جامعه تلقی می‌شدند. زنان با شروع حرکت مشروطه‌خواهی، فضای ایجاد شده در جامعه را برای مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی خود مناسب می‌دیدند و شروع به مطرح کردن مطالبات اجتماعی خود در راستای الگوی نگارش نامه در مطبوعات کردند. در این پژوهش، نامه‌نگاری‌های زنان در روزنامه ایران‌نو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مطبوعات طرفدار حقوق اجتماعی زنان و روزنامه‌های رادیکال در عصر مشروطه مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله به تحلیل مقایسه‌ای دو نامه از زنان با موضوعی واحد در روزنامه ایران نو با استفاده از روش‌های پژوهشی بافت موقعیت کلمات پرداخته است. موارد مورد بررسی در این پژوهش مربوط به سال‌های ۱۳۲۷ قمری / ۱۲۸۸ شمسی می‌باشد.

روند تحقیقات در مورد مطالبات اجتماعی زنان در دوران مشروطه می‌تواند نمایانگر اولویت حرکت اجتماعی زنان در ایران از آن تاریخ به بعد باشد. علت انتخاب این مقطع زمانی نیز اهمیت حضور زنان برای اولین بار در قالبی رسمی و تاحدودی شبه‌صنفا در فعالیتهای اجتماعی ایران است. دوره‌ای که وضعیت نابسامان اجتماعی در دوران قاجار در کنار نفوذ فرهنگ غربی زمینه را برای طرح نظریات جدید به‌ویژه در حوزه زنان در قالب ایجاد مدارس دخترانه و انتشار روزنامه و ایجاد انجمن‌های سرّی و نیمه‌سرّی نسوان را هموار کرد. در این بین سؤال‌هایی را که می‌توان مطرح کرد عبارت‌اند از: آیا در حرکت مشروطه‌خواهی ایران، مطالبات زنان رنگ‌وبوی منافع شخصی داشته است یا این مطالبات در قالب درخواست‌هایی اجتماعی مطرح می‌گردید؟ در همین راستا سؤال اساسی و مهم دیگر این است که به چه دلیل

بررسی نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران‌نو؛ با تأکید بر نگرش بافت موقعیت کلمات ۶۵

در این دوره، زنان روی به روزنامه‌نگاری می‌آورند و مطبوعاتی چون ایران‌نو به درج نامه‌نگاری‌هایی از زنان می‌پردازد که بیان‌گر مطالبات اجتماعی نسوان است؟ و مهم‌تر از همه، رویکرد و مشی سیاسی روزنامه ایران‌نو در چاپ این مطالب چه میزان نقش داشته است؟ در بررسی اقدامات و نگارش زنان، تأکید این پژوهش بر روی روزنامه ایران‌نو می‌باشد. روزنامه ایران‌نو در میان تمام مطبوعات عصر مشروطه، بیشترین سهم در درج نامه‌های نسوان در این دوره را به خود اختصاص داده است و به نظر می‌رسد اندیشه‌های مطرح‌شده در نامه‌نگاری‌های زنان نشان از نوعی خیزش اجتماعی در راستای مطرح کردن مطالبات اجتماعی زنان دارد.

بافت موقعیت کلمات در نامه‌های زنان

نمونه‌ای که می‌توان در روزنامه‌نگاری زنان در راستای تکنیک تحلیل محتوا به آن اشاره نمود، بافت موقعیت کلمات است. بافت موقعیت به نگرشی گفته می‌شود که همه عناصر سازنده در یک نامه مانند مکان، زمان، هدف، جایگاه و موقعیت اجتماعی نویسنده و مخاطب، موقعیت گفتمان مورد بحث و در مقابل، گفتمان رقیب و دیگر موارد را بررسی می‌کند. در این مدل واژه‌های به‌کاررفته در نگارش‌ها و مکتوب‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌طور نمونه، بر اساس نظر ون دایک در کتاب *ایدئولوژی و رویکرد میان‌رشته‌ای*، ضمیر «ما» که از نظر زبان‌شناسی به‌منظور ارجاع یا اشاره به مفهوم درون‌گروهی گوینده یک متن مورد استفاده قرار می‌گیرد، ممکن است با گرایش نژادپرستانه یا جنسیت‌گرایانه تعبیر شود و یا حتی ایدئولوژی خاص مانند مردسالاری را بیان کند. با توجه به این مورد ضمیر «ما» در روزنامه‌نگاری زنان دارای ایدئولوژی جنسیتی است که درحقیقت واکنشی در برابر تاریخ اجتماعی مردسالارانه در زمان خود است.

درمورد تفسیر و تحلیل بافت موقعیت درمورد روزنامه‌نگاری زنان باید عنوان نمود، نامه‌های مورد تحلیل در مقطعی از تاریخ تحولات اجتماعی و رقابت گفتمان‌های موجود در سال‌های ۳۸-۱۳۳۷ ق. یا ۹۹-۱۲۹۸ ش. در ایران توسط زنان به نگارش درآمده‌اند. در این زمان هدف از این نامه‌نگاری‌ها، تحقق حقوق اجتماعی زنان است که نگارندگان آن‌ها معمولاً از گروه‌های اجتماعی متوسط به بالا و تحصیل‌کرده جامعه ایران اواخر عصر قاجاراند. گفتمان رقیب در این نگرش، گفتمان تاریخ مذکر و مردسالارانه است که دارای سابقه‌ای طولانی در ادبیات و باور اجتماعی جامعه ایران می‌باشد که متناسب با الگوی گفتمانی‌اش نسبت به زنان،

نفی، ستیز، محدودیت و محرومیت برای آنان قائل است. مخاطب نامه‌نگاری‌های زنان نیز، تمام زنان جامعه ایران هستند و هدف از این کار، بیداری آنان از جهالت است.

آغاز نگارش زنان

زنان که در باور سنتی عصر قاجار کمترین نقش اجتماعی را در جامعه داشتند، با ایجاد زمینه‌های شکل‌گیری مشروطه در پی احقاق حقوق اجتماعی خود برآمدند. در این بین حتی در ادبیات سنتی ایران نیز با آن‌که از جایگاهی درخور توجه برخوردار نبودند و در این عرصه، منابع و ادبیات همگی در اختیار مردان بود،^{۹۷} زنان باز هم از انجام حرکت اجتماعی خودداری نکردند. ادبیاتی که از رودکی تا فردوسی و حافظ و سعدی، بلبل را مذکر و راوی و گل صامت را مؤنث می‌دانست. اولی مأمن در آسمان دارد و دیگری که نماد زن است، مقصور و محصور در گلستان.^{۹۸} این صامت بودن زن را در ادبیات ملل دیگر نیز می‌توان یافت.

نگرش منفی نسبت به زن نه تنها در ایران که در دیگر کشورها هم سابقه داشته است. در این رویکرد مطلق مردسالارانه، موضوع تاریخ تنها مرد و فعالیت‌های او بود.^{۹۹} در نگارش تاریخ در قرن ۱۹ میلادی نیز مفهوم پیشرفت در تقابل با ارزش‌های زنان تعریف می‌شد و روایت‌های تاریخی اهمیت سلسله‌مراتب جنسی خود را برای پاسبانی از نظم سیاسی حفظ می‌کردند. با توجه به این نوع نگرش‌ها و نگارش‌ها که همگی علیه زنان بودند، آنچه نقش طبیعی زن نامیده می‌شد، درحقیقت ساخته‌ای فرهنگی بود برای برتری مرد و فرودستی زن در باورهای اجتماعی.^{۱۰۰}

نگرش تحقیرآمیز به زن در ایران عصر قاجار آن قدر قوی بود که حتی زنان برای کوچک

^{۹۷} Farzaneh Millaini, "Gender Relations in Persis", *Iranica*, Vol 10, 1999, P 405.

^{۹۸} فرزانه میلانی، «تبعید بلبل مادینه از سرزمین گل و بلبل»، *ایران نامه*، شماره ۷۱، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴.

3- Judith Zinsser, *History and Feminism, A Glass half full*, New York: Twayne, 1993, P 3-5.

^{۱۰۰} Karen Offen, ruthroach Pierson and jane Randall, *Writing women history: International perspectives*, Bloomington, IN: Indiana university press, 1991, p1-2.

شمردن کسی چون ناصرالدین شاه نیز او را زن خطاب می‌کردند.^{۱۰۱} در این شرایط بیشترین تلاش زنان، تلاش برای به دست آوردن حقوق اجتماعی‌شان بود. یکی از زنان ایرانی عصر قاجار در توصیف محدودیت سوادآموزی برای طبقه نسوان اشاره دارد بعد از آن که معدودی از دختران می‌توانستند وارد مکتب‌خانه شوند و بعد از چندسال تحصیل «پدران عزیزمان با کمال تغییر کتاب و قلم را از دستمان گرفته، پاره کرده و شکسته و به‌دور می‌انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد.»^{۱۰۲} این سوال برای زنان ایرانی مسلمان پیش می‌آمد که اگر عدالت و برابری اجتماعی از ارزش‌های ذاتی دین اسلام است، چرا زنان باید شهروندان درجه دوم باشند و تحت سلطه مردان قرار گیرند؟ در پی این نگرش‌ها بود که نگارشات زنان ظاهر گردید. این بار در برابر رساله *تأدیب النسوان* که در حقارت زنان نوشته شده بود، بی‌بی‌خانم استرآبادی رساله *معایب الرجال* را نوشت؛ خاطره‌نویسی زنان زایش پیدا کرد و تاج‌السلطنه خاطرات خود را نوشت؛ و سبک جدید طنزنویسی و روزنامه‌نگاری پدید آمد و گروهی به انتقاد از شرایط طبقاتی و تبعیض جنسی در جامعه پرداختند.^{۱۰۳} اقدامات همسر سیدکاظم رشتی، آغابگم دختر شیخ‌های نجم‌آبادی، دره‌المعالی، محترم اسکندری و همسر ملک-المتکلمین خود نشانی از تلاش زنان در عصر مشروطه است؛ اما تلاشی که سایه نگرش مردسالارانه نیز در آن غیرقابل‌انکار است. در ایران نیز همانند غرب زنانی که در تاریخ روایت شده‌اند یا مادران، دختران، همسران، خواهران و معشوقه‌های مردان مشهور بوده‌اند و یا مردان آن‌ها کاری بزرگ کرده‌اند و آنان به‌خاطر آن کار است که مورد توجه تاریخ قرار گرفته‌اند.^{۱۰۴} زنان در نامه‌نگاری‌هایی که با مطبوعات انجام می‌دادند، شیوه نگارش خاص خود را داشتند. آنان نامه‌های خود را به نثری ساده و نزدیک به زبان گفتاری می‌نگاشتند و مکرراً با

۱۰۱ سیروس میر، «نسیم شمال و مسئله زن در نهضت مشروطه»، *ایران نامه*، سال ۱۱، شماره ۳، ۱۳۷۲، ص ۴۳۲.

۱۰۲ «مکتوب یکی از مخدرات»، *تمدن*، سال ۱، شماره ۱۲، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ق.

۱۰۳ Janet Afary, *The Iranian Constitutional Revolution 1906-1911: Grassroots Democracy, Social Democracy and Originist of Feminism*, New York, Columbia University press, 1996, p3.

۱۰۴ Zinsser, p 3-5.

خطاب دوم شخص مردان را نیز مخاطب می‌ساختند.^{۱۰۵} اقدامات زنان در نگارش روزنامه، شامل اقدامات خانم کحال و تأسیس اولین روزنامه زنان با عنوان *دانش* بود که پس از سی شماره به دلیل مشکلات مالی تعطیل شد. فعالیت زنان در روزنامه شکوفه و تلاش صدیقه دولت‌آبادی در تأسیس اولین روزنامه زنان در اصفهان با عنوان *زبان زنان* نشانی از حرکت آنان است. حرکت مطبوعاتی زنان دوگانگی طبیعت و فرهنگ در تفکر مردسالارانه را به چالش می‌کشاند.^{۱۰۶}

روزنامه ایران نو

روزنامه ایران نو، برجسته‌ترین منبع اطلاع‌رسانی افکار جناح دموکرات ایران در دوره مشروطه است. این روزنامه که تاریخ انتشار نخستین شماره آن ۷ شعبان ۱۳۲۷ ق. ۷ شهریور ۱۲۸۸ ش. ۲۴/ اوت ۱۹۰۹ م. است، جزء معدود روزنامه‌های دوره مشروطه است که به صورت روزانه در تهران منتشر می‌شده است. تعداد صفحات این روزنامه چهار صفحه بوده و چند شماره آن به دلیل درج ضمیمه در رابطه با اخبار مجلس شورای ملی چند صفحه‌ای بیشتر بوده است.

ایران نو از نظر رویکرد سیاسی، وابسته به «فرقه دموکرات» بوده و شعار مندرج در صفحه نخست تمام شمارگان آن که درحقیقت بیان‌گر اهداف و روش آن می‌باشد نیز عبارت است از «روزنامه‌ای است ملی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، ادبی، فنی، اخلاقی، از هرگونه مطالب سودمند سخن می‌راند». در این روزنامه به مسائلی چون دموکراسی، آزادی، استقلال ملی، طرح مطالبات اجتماعی زنان و اخبار مجلس شورای ملی توجه ویژه‌ای شده است. اصطلاح «نو» در عنوان این روزنامه نیز متناسب با پیروزی مشروطه و ایجاد ایرانی دیگر، بدون نظام دیکتاتوری و فردی است. در عرصه استقلال ملی نیز این روزنامه به مخالفت با انگلیس و روسیه تزاری می‌پرداخت. مخالفتش با روسیه به دلیل مخالفت آن کشور با نظام مشروطه است. در ذیل نام ایران نو، تاریخ رجب ۱۳۲۷ درج شده که به نظر می‌رسد به دلیل نو شدن ایران بعد از سقوط

^{۱۰۵} افسانه نجم‌آبادی، «دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت»، *نیمه دیگر*، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۷۴، ص ۹۴.
^{۱۰۶} سیمین فصیحی، «از خلوت خانه تا عرصه اجتماع رویارویی زنان با دوگانگی طبیعت و فرهنگ از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره قاجار»، *تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۸، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹.

بررسی نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران‌نو؛ با تأکید بر نگرش بافت موقعیت کلمات ۶۹

استبداد صغیر این تاریخ درج شده است. در این روزنامه نیز بیشترین نامه‌نگاری زنان در مطبوعات عصر مشروطه در آن درج شده است.^{۱۰۷}

تعداد نامه‌های زنان در روزنامه ایران نو به تفکیک سال

سال	تاریخ	تعداد شمارگان روزنامه	تعداد نامه‌ها
اول	۱۳۲۷ قمری	۲۴۴	۳۶
دوم	۱۳۲۸ قمری	۱۲۰	۶
سوم	۱۳۲۹ قمری	۱۱۱	۴

به‌طور نمونه در نامه‌ای که یکی از شاگردان دبستان ناموس به نگارش در آورده است، به تربیت نسوان و ایجاد راه‌های سوادآموزی و مشارکت‌های اجتماعی زنان و ارتباط آن با توسعه فرهنگی ایران اشاره دارد:

«نظر به همین مقصود مقدس است که پیغمبر اکرم و نبی مکرم ما *الجنة تحت اقدام امهاتکم* فرموده و در جای دیگر می‌فرماید *طلب العلم فریضه علی کل مومن و مومنه*؛ بر هر فردی از افراد چه زنان و چه مردان علم و دانش را فرض و واجب شمرده و ابدأً زنان را از فرا گرفتن علوم استثنا نفرموده [...]»^{۱۰۸}

همچنین زنان در نامه‌های خود به روزنامه ایران نو این پرسش را مطرح می‌کردند که چرا

۱۰۷ در رابطه با نامه‌نگاری‌های زنان ر.ک.: باغدار دلگشا، علی، *بررسی مطالبات اجتماعی زنان در مطبوعات دوره مشروطه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، استاد راهنما: دکتر هما زنجانی‌زاده، دکتر عباس سرافرازی، ۱۳۹۴، ص ۹۵-۷۰.

۱۰۸ «خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس در مجلس امتحان»، *ایران نو*، سال ۱، شماره ۱۳، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷ ق، ص ۲.

«آن ذره که در حساب ناید مائیم».^{۱۰۹} در این نامه اشاره شده است:

«به واسطه فروغ تربیت لازمه، نسوان دولت علیه عثمانی در تنظیمات و ترقیات مملکتی خود سهیم گردیده [...] دولت چین که پس از هشت سال دیگر داخل در صف دول مشروطه خواهد شد، امروز تربیت بنات را به طوری اهمیت داده [که] علاوه بر عده کثیری از نسوان که در خود مملکت چین مشغول تحصیل و تربیت هستند، قریب هزار نفر از دختران خانوادگان محترمین چینی به خرج خود و به کمک دولت چین در توکیو که پایتخت ژاپن است، مشغول تحصیل شده‌اند و نیز جمعی از دختران و خواتین محترمه در چند ماه دیگر برای درک تربیت لازمه، عازم خاک انگلیس که مهد آزادی سیاسی است، خواهند شد. [...] و ما بیچارگان هنوز درمانده وادی ضلالت و نادانی می‌باشیم در صورتی که سرمشق تمام عالم بوده‌ایم».^{۱۱۰}

زنان در نامه‌نگاری‌های خود رویکردهای متفاوتی را نیز اتخاذ می‌نمودند که غالباً رویکرد مردسالارانه را به نقد می‌کشیدند.

تحلیل نامه‌نگاری‌های زنان

برای نمونه در این بخش دو نامه از مجموع نامه‌نگاری‌های نسوان در روزنامه ایران نو انتخاب شده است. در این انتخاب نگارنده سعی خود را بر آن قرار داد تا در حد امکان این دو نامه، شباهت‌های ساختاری با یکدیگر داشته باشند. عنوان این دو نامه انتخابی، عبارت است از «خطابه یکی از شاگردان مدرسه عفاف» و «خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس» که شباهت‌های آن دو عبارت است از:

۱. هر دو نامه توسط دختران به نگارش در آمده‌اند.
 ۲. موضوع اصلی هر دو نامه، اهمیت سواد آموزی، تعلیم و تعلم نسوان است.
 ۳. هر دو نامه در سال ۱۳۲۷ ق. در روزنامه ایران نو منتشر شده‌اند.
 ۴. هر دو نامه قبل از جلسه امتحان به نگارش درآمده و برای دیگر دانش‌آموزان دختر قرائت شده است.
- برای درک بهتر در تحلیل، صورت هر دو نامه را در ذیل نقل می‌کنیم.

۱۰۹ «مکتوب یکی از خانم‌های ایرانی»، ایران نو، سال ۱، شماره ۳۴، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷ ق، ص ۴.

۱۱۰ همان، ص ۴.

«خطابه یکی از شاگردان مدرسه عفاف»

«بسم الله الرحمن الرحيم

به به! چه سعادتى بالاتر از این که انوار توفیق الهی، گمشده را در مناهی چراغی فرا راه دارد که راه از چاه بشناسد و ثواب از گناه بداند! ای خواهران عزیز من و ای امیدگاه سعادت بنی نوع من، غیرت کنید. غیرت و همت کنید؛ همت! که خوشبختی سی کرور نفوس ایرانی فقط در گرو غیرت ماهاست که ما دختران که سعادت ایرانیان هستیم، غیرت و همت بروز داده خود را از محاق جهل بیرون آورده، در فضای بی‌منتهای توفیق حق، مواجه شمس تربیت نموده، دل‌های تاریک و ظلمانی خود را منور کرده، عن‌قریب عرصه ایران را منور و مشعشع نموده، مایه برکات نوع خود خواهیم شد. از خدا جوییم توفیق ادب، [بی ادب محروم ماند از لطف رب]، [بی ادب تنها نه خود را داشت بد]، بلکه آتش در همه آفاق زد.»

«خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس»

«با هزاران زبان، تشکر قلبیه و احترامات صمیمانه خود را در محضر خانم‌های محترمه که محض نوازش این نوباوگان ایرانی قبول زحمت فرموده، تشریف‌فرما شده‌اند تقدیم می‌داریم. البته در حضور آن ذوات مخدره پوشیده نیست که تا چه اندازه تربیت نسوان به هیئت اجتماعیه انسانیت و انجمن بشریت خدمات نموده و اینکه تاکنون وطن عزیز ما از قافله تمدن دنیا عقب مانده‌اند، فقط به همین ملاحظه است که تحصیل علوم را برای زنان لغو می‌دانسته و جماعت نسوان را همیشه یک جزء اعظم آبادی دنیا و اساس تمدن بوده‌اند، از اهالی مملکت نشمرده و آنها را شریک و سهم در خیالات خود ننموده‌اند. و حال آنکه عادت و عقاید اطفال از مادرهای آنهاست. اگر مادرها بی تربیت باشند، فرزندان ایشان بی ادب و بداخلاق و دروغگو بار می‌آیند. برخلاف، اگر مادرها تحصیل کرده و از مدرسه خارج شده باشند، اولاد خود را به راستگویی و پاکدامنی و نجابت و خوش‌طینتی وامی‌دارند. نظر به همین مقصود مقدس است که پیغمبر اکرم و نبی مکرم ما *الجنه تحت اقدام امهاتکم* فرموده و در جای دیگر می‌فرماید *طلب العلم فریضه علی کل مومن و مومنه*؛ بر هر فردی از افراد چه زنان و چه مردان علم و دانش را فرض و واجب شمرده و ابداً زنان را از فراگرفتن علوم استثنا نفرموده و به واسطه پیروی همین حکم محکوم حضرت خیرالبشر است که ملل عالم به منتهای سعادت و نیکبختی نائل گشته و پا بر فراز عمارت عالیه تمدن گذاشته‌اند: ما در اختتام عرایض خود از مؤسسين این اساس و مخصوص سرکار خانم رئیسه و معلمین محترمه خود تشکر می‌کنیم که برای این اساس به وجود فشار ظلم و استبداد و آن همه صدمات وارده سنه ماضیه، از این اقدام عالی خود دست باز نداشته و بالأخره

۷۲ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

در ترقیات و خوشبختی‌های آتیه مملکت حصه و سهم بزرگی تحصیل نمودند. از خانم‌های ترقی‌طلب و معارف‌پرور هم که قدم‌رنجه فرموده‌اند، متمنی هستیم که در گفتن کلمات ذیل با مشارکت و همکاری فرمایند: «زنده باد هواخواهان ملت»، «زنده باد حامیان معارف»، «پاینده باد مشروطه»، «برقرار باد مادر عزیز ما ایران».^{۱۱۱}

براساس مقایسه این دو نامه، کلمات کلیدی در مجموع هر دو نامه عبارت است از «خواهران» و «نسون» که معرف جنسیت زنانه است و «تربیت» که بیان‌گر برجسته‌ترین مطالبه اجتماعی زنان یعنی تلاش برای ایجاد مدارس نسوان در این دوره است. مجموع کلمات مهم و میزان تکرار آن‌ها در مجموع دو نامه عبارت است از:

«خطابه یکی از شاگردان مدرسه عفاف»^{۱۱۲}

میزان تکرار	کلمات
۱+۱	خواهران + دختران
۴+۳	غیرت + همت
۲	سعادت
۱+۱+۱	ایران + ایرانیان + ایرانی
۱	خوشبختی
۱	تربیت
۱	جهل

نکات گفتمانی در مورد نامه اول به شرح ذیل می‌باشد:

۱. برخلاف شیوه معمول زنان در نامه‌نگاری‌ها که نمونه آن در روزنامه زبان زنان صدق می‌یابد، از شیوه نفی اولیه + شدت نفی + امید به آینده استفاده نشده است و تنها یک کلمه

۱۱۱ «خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس در مجلس امتحان»، ایران نو، سال ۱، شماره ۱۳، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷

ق.

۱۱۲ در هر دو جدول مشتقات کلماتی هم که در متن آمده، در میزان تکرارها استفاده شده است.

۷۳ بررسی نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران‌نو؛ با تأکید بر نگرش بافت موقعیت کلمات

منفی در این نامه به کار رفته است.

۲. در این نامه از کلمات جدید مانند دختران و خواهران استفاده شده است که علاوه بر مطرح کردن زمینه‌های اتحاد میان زنان، از واژگان سنتی که قالب تحقیر داشته‌اند مانند کلمه مخدرات استفاده نشده است.

۳. در این نگارش به ایران توجه نشان داده می‌شود و در مجموع سه مرتبه واژه ایران به معنای یک کشور با مرزهای سیاسی مشخص که برخاسته از روحیه میهن‌گرایی است، به کار رفته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

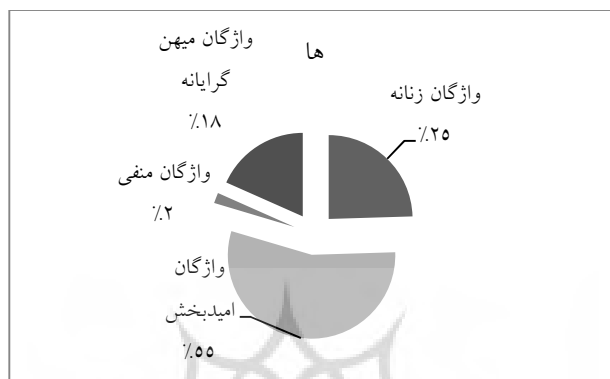
«خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس»

میزان تکرار	کلمات
۲+۳ + ۱+۲ + ۲	خانم + مخدره + نسوان + زنان + مادر
۱+۱	انسانیت + بشریت
۱+ ۲+۱ + ۲	ایران + مملکت + وطن + ملت
۱+۱+۱	سعادت+ نیکبختی + خوشبختی
۲+ ۳	تمدن + ترقیات
۲+۲+۱	تربیت + معارف+ مدرسه
۱	مشروطه

نکات تحلیلی درمورد نامه اول به شرح ذیل است:

۱. در این نامه نیز از هیچ واژه منفی مانند جهل و عقب ماندگی استفاده نشده است و قالب روحیه دهنده گی آن بالاست.
۲. این نامه به مسئله جنسیت زنان توجه ویژه ای نشان داده شده و علاوه بر به کار بردن واژگانی مانند مخدره که رویکرد تحقیرانه دارد، از کلماتی چون مادر که در آن زمان اصلی ترین عامل تمایز دو جنس زن و مرد بوده نیز استفاده می گردد.
۳. در این نامه نیز به مسئله ملیت و میهن گرایی نیز توجه شده است.
۴. در این نگارش از واژگان مترقی که رویکرد پیشرفت مانند تمدن را دارد، در کنار واژه مشروطه استفاده شده است.

جدول درصدبندی کلمات



آنچه در انتهای این نگارش می‌توان به آن توجه داشت این است که این دو نامه نشان‌دهنده یک دهه تلاش زنان برای ایجاد حق تحصیل برای خودشان است. در این نامه‌نگاری به مسئله ملیت و عوامل پیشرفت اجتماع توجه نشان داده شده است که بیان‌گر تغییر نوع نگارش زنان است.

نتیجه‌گیری

نقش زن در ادبیات اجتماعی و نوشته‌شده ایران، نشان‌دهنده مقام پایین و جایگاه خرد او در باورهای جامعه ایران بوده است. البته باید به این مهم توجه داشت که محروم کردن او از مزایای اجتماعی و از دیگر سو، مقایسه‌اش با مردان نمی‌تواند مقایسه‌ای درست باشد. پی بردن به نقش اجتماعی زن و مقایسه توانایی‌های او با مردان زمانی می‌تواند درست باشد که او چون مردان از تمام مزایای اجتماعی برخوردار باشد.

در این راستا زنان نیز برای رسیدن به اهداف و پیشبرد مطالبات اجتماعی خود، به حمایت و طرفداری از مبانی مشروطه پرداختند. نقش زنان طبقه بالای جامعه در حرکت اجتماعی آن زمان که نشانی از شدت اعتراض‌های اجتماعی را با خود به همراه داشت، نشانی از به صحنه آمدن زنان است. در این بین زنان با استفاده از الگوی نامه‌نگاری در مطبوعات، به‌نوعی موجودیت و حضور خود در جامعه را معرفی می‌کردند.

موضوع نامه‌نگاری‌های زنان در مطبوعات عبارت بود از: تلاش برای ایجاد مدارس دخترانه، تشویق زنان به سوادآموزی و کسب دانش، تلاش برای ورود به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی.

مطبوعات در این بین به دلیل ارتباط نزدیک با بدنه جامعه و ارائه درخواست‌های اجتماعی دارای اهمیتی افزون نسبت به دیگر منابع‌اند. مطرح کردن اهمیت دانش‌آموزی برای زنان و نقش سواد داشتن مادران در تربیت فرزند، حضور زنان در مسائل سیاسی و وظیفه زنان طبقه بالای جامعه در رهبری حرکت‌های اجتماعی زنان نیز از دیگر مطالبی بود که در روزنامه‌های این زمان از آن سخن به میان آمده است. روزنامه ایران نو نیز به دلیل رویکرد دموکرات‌گرایانه خود، روزنامه‌ای شناخته می‌شود که علاوه بر پیشگام بودن در عرصه سیاسی و حزبی، بیشترین نامه‌ها به نگارش زنان را در خود جای داده است و نقشی اساسی را در پیشبرد نگرش مطالبات اجتماعی زنان در دوره مشروطه به خود اختصاص داده است.

بررسی نامه‌نگاری زنان در روزنامه ایران‌نو؛ با تأکید بر نگرش بافت موقعیت کلمات ۷۷

منابع و مأخذ:

- «خطابه یکی از شاگردان دبستان ناموس در مجلس امتحان»، ایران نو، سال ۱، شماره ۱۳، ۲۲ شعبان ۱۳۲۷ ق.
- «مکتوب یکی از خانم‌های ایرانی»، ایران نو، سال ۱، شماره ۳۴، ۱۸ رمضان ۱۳۲۷ ق.
- «مکتوب یکی از مخدرات»، تمدن، سال ۱، شماره ۱۲، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ ق.
- فصیحی، سیمین، «از خلوت خانه تا عرصه اجتماع رویارویی زنان با دوگانگی طبیعت و فرهنگ از انقلاب مشروطیت تا پایان دوره قاجار»، تاریخ اسلام و ایران، شماره ۸، ۱۳۸۹.
- میر، سیروس، «نسیم شمال و مسئله زن در نهضت مشروطه»، ایران نامه، سال ۱۱، شماره ۳، ۱۳۷۲، صص ۴۵۰-۴۲۷.
- میلانی، فرزانه، «تبعید بلبل مادینه از سرزمین گل و بلبل» ایران نامه، شماره ۷۱، ۱۳۷۹، صص ۲۳۰-۲۱۳.
- نجم‌آبادی، افسانه، «دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت»، نیمه دیگر، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۷۴، صص ۱۰۵-۷۲.
- Afary, Janet, **The Iranian Constitutional Revolution 1906-1911: Grassroots Democracy, Social Democracy and Origins of Feminism**, New York: Columbia University press, 1996.
- Millaini, Farzaneh, "Gender Relations in Persis", **Encyclopaedia Iranica**, Vol. 10, Fasc4, 1999, pp 405-411.
- Offen, Karen, Pierson, Ruthroach and Randall, Jane; Eds, **Writing women history: International perspectives**, Bloomington, IN: Indiana university press, 1991.
- Spongberg, Marry, **Writing womens History since the renaissance**, Palgrave Mocomilan, 2002.
- Zinsser, Judith, **History and Feminism: A Glass half full**, New York: Twayne, 1993.